

عقلائیستین تفکر فلسفی است



عباس بخشی

www.ketabo.ir

انتشارات سوره مهر (وابسته به حوزه هنری)



اعور ادبی شهر ستانیا - استان قزوین



عقلانیت و دین در تفکر فلسفی ابن سینا

نویسنده: عباس بخشی

طراح جلد: حبیب ایلون

چاپ و ضعا فای: واژه پرداز اندیشه - چاپ اندیشه

چاپ اول: ۱۳۹۵

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

شاب: ۹۷۸-۶۰۰-۰۳۰۰۱۵۷-۶

سرمد اسه بخشی، ابس، ۱۳۳۱ -

عنوان و نام پدیدآور: عقلانیت و دین در تفکر فلسفی ابن سینا

مشخصات نشر: تهران: شرکت انتشارات سوره مهر، ۱۳۹۴.

مشخصات ظاهری: ۱۸۴ ص.

ISBN: 978 - 600 - 03 157 - 6

وضعیت فهرست نویسی: فبیای مختص

شناسه افزوده: شرکت انتشارات سوره مهر

شناسه افزوده: سازمان تبلیغات اسلامی، حوزه هنری (فرهنگ)

شماره کتابشناسی ملی: ۳۸۷۰۵۶۲

نشانی: تهران، خیابان حافظ، خیابان رشته پلاک ۲۳

سندوق پستی: ۱۵۸۱۵-۱۱۴۴

تلفن: ۶۱۹۴۲ سامانه پیامک: ۳۰۰۵۳۱۹

تلفن مرکز بخش (پنج خط): ۶۶۴۶۰۹۹۳ فکس: ۶۶۴۶۹۹۵۱

www.sorehemehr.ir

نقل و چاپ نوشته ها منوط به اجازه رسمی از ناشر است.

مفهوم‌شناسی عقل	گفتار اول
شناخت‌شناسی دین	گفتار دوم
توسعه عقل و دین در قرون وسطی و عصر جدید	گفتار سوم
مدخلی به تأملات فلسفی در عالم اسلامی	گفتار چهارم
مناسبات عقل و دین در اندیشه نخستین فیلسوفان مسلمان	گفتار پنجم
نگاهی به تفکر فلسفی ابن‌سینا	گفتار ششم
اصول و مبانی فلسفه سینایی	گفتار هفتم
مسئله شناخت در فلسفه ابن‌سینا	گفتار هشتم
همگرایی عقلانیت و دین در الاهیات سینوی	گفتار نهم
الاهیات ابن‌سینا در ترازوی فلسفه	گفتار دهم

گفتار آغازین

هویت انسان اندیشنده، همزاد پرسش از چونی و چرایی حیات آغاز می‌شود، زیرا انسان هوشمند و خردورز، بر پهنای پرمایه حیات، به شوق فهمیدن و آگاهی یافتن، به تدریج به سوی پرسش‌هایی فراتر از خه‌اسه‌های زیستی و مادی زندگی راه می‌یابد و این رویکرد به چیستی چیزها در چارچوب نیازهای کلی و وجودی و ژرف آدمیان در معنا بخشیدن به محتوای زندگی و تفسیر از حوزه هستی، شولیشان شکل می‌پذیرد و به ماده‌زدگانی آن‌ها صورتی تازه می‌بخشد.

اندیشه‌کاوشگرانه انسان، وی را به جست‌وجو درباره حقی و آغاز و انجام آن برمی‌انگیزد و افق معرفت به قواعد کلی حاکم بر جهان را در چشم‌انداز حس کنجکاواو می‌گشاید. همین جست‌وجوگری متأملانه و متفقلانه آدمی را به اتخاذ موضعی ایجابی یا سلبی درباره اساسی‌ترین آموزه‌های دینی مانند: آفریدگار جهان، جاودانگی روح، اراده و اختیار انسان، وحی و نبوت و سرای آخرت، و... وامی‌دارد. این گونه است که تأملات فلسفی با بینش دینی تلاقی می‌کنند و نسبتی دوسویه می‌یابند. تفکر فلسفی، در معنای گسترده‌اش، نوعی تبیین عقلانی و تحلیل نقادانه از مفاهیمی است که حیطه وسیعی از مسائل عالم و آدم را دربرمی‌گیرد و عرصه وجود را عرضه به ساحت عقلانیت و تفکر می‌سازد و با مسائل و موضوعات گوناگون ارتباط و پیوند می‌یابد و از آن جمله دین و به بیانی دقیق‌تر داده‌های وحیانی است.

دین، به رغم حقیقت قدسی و آسمانی اش، آن گونه که در بسط تاریخی خود را نشان داده و به صورت دانش الاهیاتی در عرصه اندیشه بشری پدیدار شده است، با دستاوردهای انسانی روبه‌رو شده و در داد و ستدی که با آن‌ها داشته، صبغه بشری پذیرفته و به ناگزیر از عالم لاهوت به جهان ناسوت هبوط کرده و در ارتباطی تنگاتنگ با تفکر فلسفی، به مثابه یکی از فعالیت‌اندیشگی‌های مهم آدمیان قرار گرفته است. در این رویارویی، فیلسوفان و متفکران در درازنای تاریخ، مرز میان پیوند و تمایز عقل و دین را با گام‌های لرزان پیموده‌اند و در این راه مخالفت‌ها و موافقت‌های فراوان و تنش‌ها و چالش‌های عدیده‌ای را برانگیخته‌اند؛ به گونه‌ای که پهنه تاریخ ادیان و فلسفه‌ها را می‌توان صحنه گفت‌وگوها و مباحثات مستمر میان عقل و دین قلمداد کرد. با وصف بر این، قصه حضور بی‌وقفه عقل و دین - چگونگی تعاملات آن دو در عرصه تاریخ تفکر بشری، حکایتگر پارادوکسی است که اندیشه بشری با آن در دوره‌های گوناگون روبه‌رو بوده است.

بی‌تردید، در عرصه مکالمه‌ای فلسفی، کمتر مقوله‌ای به اندازه مبحث عقل و دین حاوی دستاوردهای عظیم برای ترسیم خطوط کلی اندیشه دینی می‌تواند باشد، زیرا در میان مجموعه دیدگاه‌های مخالف، در آره مسئله مزبور وجود داشته و دارد، بیانگر این حقیقت است که نه تنها سخن از رابطه عقل و دین در طول تاریخ به معنای پای فشردن بر یک سلسله مباحث منزّل از نیازهای بشری نبوده و نیست، بلکه در تعامل و ترابی وثیق با وجوه گوناگون زندگی آدمیان قرار داشته و در ترمیم‌های مختلفی همچون فرهنگ، سیاست، هنر، ادبیات، حقوق و... حضوری آشکار پنهان می‌یابد.

اگرچه فهم عقلانی از دین و آگاهی از نحوه روابط آن، در گشودن گره‌ها و نشان دادن دامپاله‌های نظری و مشکلات عملی راهگشای جوامع بشری بوده و هست، به دلیل انگیزه‌ها و سائقه‌های درونی و بیرونی مختلفی که در تبیین و تحلیل مکالمات ناسبات عقل و دین در میان فیلسوفان و نیز متألّهان ادیان بزرگ جهان وجود داشته و دارد، ساخت بحث گاه چنان با مغالطات و مجادلات لفظی و غیر منطقی آمیخته می‌شود که این سنخ مباحث، به رغم کاوش‌های دراز دامنی که پیرامون آن صورت می‌گیرد، همچنان چهره در نقاب ابهام فرومی‌برد و دامنه وسیعی از مسائل نامکشوف را در آفاق معرفت دینی منعکس می‌کند؛ به طوری که میان ناکامی‌ها و کامیابی‌ها و راستی‌ها و کژی‌ها، چندان بهروشنی نمی‌توان داوری کرد. با این همه، جست‌وجو و کاوش در دامنه این قلّه سترگ، در عین صعوبت و دشواری، بسیار حیاتی می‌نماید. از این رو، نباید تلاش‌های فکری فیلسوفان و دیگر متفکران را

در بازخوانی متون وحیانی به زبان عقلانی، به رغم ناخرسندی‌های ایمانیان، از نظر دور داشت و از کنار آن همه کوشش‌ها در طریق به سامان بردن این مقوله حیاتی بی‌اعتنا عبور کرد یا حکم به ابطال آن داد.

بنابراین، با توجه به قبض و بسط‌های جدید و پیدایی شرایط و زمینه‌های نوینی که در نگرش‌ها و بینش‌های فلسفی و الاهیاتی در جهان معاصر پدیدار شده، غوررسی در چند و چون ماهیت چنین مباحثی از بایستگی‌های پژوهش در راستای فلسفه دین و کلام جدید برخوردار بوده و راهگشای افق‌های تازه‌ای در چشم‌انداز اندیشه دینی و تفکر فلسفی خواهد بود. از این رو اشاره به این نکته خالی از فایده نیست که عقل و دین دو مضمون دیرپایند که به یک نفر انبیا یا تاریخ خاص منحصر نبوده و نیست، بلکه در همه ادوار تاریخی حضور داشته و به تناسب تلقی‌ها و نگرش‌ها و مفروضات پیشین صاحبان ادیان و اصحاب فلسفه، نحوه بروز و ظهورش متفاوت بوده است، زیرا گاهی بر تأثیر ظاهر می‌شده و گاه نیز کمرنگ در حاشیه برخی تمدن‌ها و فرهنگ‌ها می‌زیسته، ولی هرگز به خاموشی نگراییده است. بدین ترتیب، با عنایت به پژوهش‌ها و نگارش‌های چند دهه اخیر در چگونگی نسبت میان عقل و دین در جامعه ما، همچنان در این وادی ارزنده و برکت‌خیز، مجال بحث و گفت‌وگو برای آنان که دل در گرو زایش حیات، عالی و رویش جوانه‌های فکری داشته و دارند مفتوح مانده است.

در این دفتر، نگارنده در حد بضاعت اندک خویش می‌کوشد دو مضمون مزبور و نحوه سازگاری و همگرایی آن‌ها را به متادیده منبع معرفتی مستقل در تفکر فلسفی ابن‌سینا بررسد، زیرا وی را می‌توان سرآغاز حلقه‌ای نوینی از تفکر فلسفی و نسبت آن با معرفت دینی برشمرد که با برسانیدن ماهیم جدیدی، چگونگی رابطه عقل و دین را فراتر از اندیشه پیشینیان سامانی تازه بخشیده است. در حقیقت، ابن‌سینا عقل را حاکم بر مبادی و اصول معرفت بشری و پایه‌گذار آن می‌داند و از سوی دیگر وحی نیز مبانی خطابات خود را بر پایه عقل استوار کرده است. همان‌گونه که عقل به ضرورت تفکر عقلی حکم می‌کند، هم اوست که انسان را به لزوم پیروی از وحی رهنمون می‌شود و ایمان به آن را تصدیق می‌کند. هرچند برخی از تعالیم دینی به نظر او از دسترسی عقل بیرون است و بشر با خردورزی نمی‌تواند به ساخت آن راه یابد، در این موقف باید از وحی پیروی کند. با این توصیف، ابن‌سینا می‌کوشد با طرح مبانی فلسفه مشایی و به‌کارگیری روش استدلالی، اندیشه فلسفی‌اش صبغه غیر عقلانی

نداشته باشد و تا آنجا که عقل راه می‌جوید، او از غیر عقل استمداد نمی‌طلبد و حتی جایی که از حالات و مقامات عارفان و معنویان سخن می‌گوید نیز بسیاری از استدلالات فلسفی را فرو نمی‌گذارد و به بهانه دین و عرفان، زمام عقل استدلالی را به دست علوم معنوی و حضوری و شهودی و تقلی نمی‌سپارد. از این رو، ابن سینا را باید در میان همه فیلسوفان تاریخ دوره اسلامی همچنان آغازی برای پایان و فیلسوف‌ترین فیلسوف فرهنگ اسلامی به شمار آورد؛ به طوری که از رهگذر آموزه‌های فلسفی او، در جهان معاصر نیز می‌توان نکته‌های جدیدی آموخت و به تنگ‌مایگی زیست‌بوم عقلانیت جامعه ما، که در مدهای فکری و آشفته‌گی‌های معرفتی است، تا حدودی فیصله بخشید. و در این صورتی است که از تاریخ پیام‌وریم و از خلط و در آمیختگی دو حوزه مستقل معرفت فلسفی و دین، آگاهانه احتراز کنیم، به گونه‌ای که هیچ یک را در استخدام دیگری نپسندیم، باشد که اصل آن دو از استحاله شدن در امان بماند. چراکه فلسفه به منزله فعالیت عقلانی فیلسوفان و دیگران به عنوان کنش استعمالی مومنان با حفظ کارکردهایشان در برآورد نیازهای تعالی جریانه و مانگرایانه ساخت‌های وجود انسان، قابل تقلیل و فروکاهش به یکدیگر نیستند. این به نظر نگارنده با خوانشی مجدد و بازکاوی اطحاز سرذقت در تفکر فلسفی ابن سینا سرسایت گفت و گوی میان عقلانیت و دین، دور از دسترسی نبوده و نیست. و این سیاه مشق نیز در حال و هوای چنین نگاهی قلمی شده و سامان یافته است.

آنچه در این جستار پی گرفته می‌شود، شامل سه فصل و ده گفتار است:

فصل اول:

به معناشناسی لغوی و اصطلاحی عقل و دین می‌پردازد و در پایان به منظور آگاهی از دیدگاه کتاب و سنت و تفاوتی که با عقلانیت فلسفی دارد، بحث و بررسی می‌شود.

فصل دوم:

نگاهی است اجمالی به سیر بحث عقل و دین در بستر تفکر تاریخی مغرب‌زمین، چنان‌که در همین فصل، طی گفتاری جداگانه، به مناسبات عقل و دین از منظر نخستین فیلسوفان مسلمان اشاره می‌شود.

فصل سوم:

در این فصل، ضمن اشاره مختصر به کارنامه علمی و فلسفی ابن سینا، رابطه عقلانیت و دین از منظر او بحث می‌شود و به اصول و مبانی فلسفه متافیزیک و تمایز هستی و چیستی از نظر او و نیز مسئله شناخت، نفس، ادراک و به دنبال آن تقسیم عقل از دیدگاه ابن سینا گفت‌وگو می‌شود و مفهوم خدا، معاد و نبوت و نحوه هماهنگی مفاهیم یادشده با عقلانیت استدلالی تبیین می‌شود. در پایان فصل مزبور، الاهیات ابن سینا در ترازوی نقد قرار می‌گیرد و به آرای دو تن از برجسته‌ترین منتقدان برابرسازی عقل و دین، یعنی ابوحامد غزالی و نخرالدین رازی، اشاره می‌شود. در فرجام سخن، از خسوف فلسفه استدلالی در فرهنگ اسلامی و عوامل معرفتی و غیر معرفتی افول و فرسایش فلسفه مشایی صحبت به میان آمده است.

در اینجا، وظیفه خود می‌دانم از حسن نظر و همراهی جناب آقای کرم اللهی ریاست محترم حوزه هنری استان تهران در انتشار این کتاب و همچنین از تلاش‌های بی‌دریغ همکارانشان خانم‌ها زهره ترسین، زهرا علی‌دوستی و فرشته زارعی و نیز آقایان نادر مقدم سلیمی و سید قاسم سیدقوامی صمیمانه سپاسگزارم و تداوم خدمتشان را به فرهنگ و هنر این سرزمین از جان جهان خواستارم.

در پایان، با اذعان به کاستی‌های فراوان، در عین توجه به صعوبت این سنخ مباحث، اکنون این دفتر پیش روی خواننده گرامی است، تا چه قبول افتد و چه در نظر آید. بنابراین، نگارنده، به رسم دانش‌آموزی، نکته‌سنجی‌های دانش‌پایان فرزانه را به دیده منت ارج می‌نهد.

یارب از عین عنایت نظری کن که مرا
نرود بی مدد لطف تو کاری از پیش